

یادگاری جنگ جهانی دوم در تهران؛ ورود ایرانی ها ممنوع

پارسینه در ادامه پرداختن به یادگاری های جنگ جهانی دوم در ایران به سراغ قبرستان لهستانی ها رفته است، قبرستانی که دیدنش برای اجنبی ها حلال و آزاد و برای خود ایرانی ها ممنوع و حرام است! البته اگر با سرایدار قبرستان لهستانی ها (که کارمند رسمی سفارت لهستان در تهران بود) گپ و گفتی بزنی و دوست شویدی، موضوع کمی فرق می کند!



سردر گورستان روسها در تهران (کنار گورستان لهستانی ها) که البته ورود به آن ممنوع بود

سرگذشت "بچه های تهران" در ۱ سپتامبر ۱۹۳۹ آغاز می شود، زمانی که آلمان به لهستان حمله می کند. پس از این تهاجم، صدها هزار نفر از یهودیان لهستانی از طریق مرز شرقی لهستان به اتحاد جماهیر شوروی گریختند. در آنجا، بیش از یک میلیون لهستانی مسیحی به آنها ملحق شدند. در همین دوره بود که ریشه های تشکیل رژیم صهیونیستی در طول جنگ جهانی دوم شکل می گرفت و اروپایی ها هم بدشان نمی آمد که از شر اقلیت یهودی خلاص شوند و حتی شواهد و قرائنی از همکاری برخی دولتهای اروپایی برای تسریع مهاجرت یهودیان به فلسطین اشغالی وجود دارد.

پس از حمله آلمان نازی به اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۴۲ میلادی سربازان انگلیسی و روسی که به صورت مشترک ایران را اشغال کرده بودند و در اوت ۱۹۴۱ رضا شاه پهلوی که موضعی بی طرف اتخاذ کرده بود را وادار به کناره گیری به نفع پسرش، محمدرضا کردند.

در سال ۱۹۴۲، مقامات روسی مجوز انتقال و اسکان ۲۴۰۰۰ شهروند لهستانی و سربازان جدید ارتش آندرس را از روسیه به ایران صادر کردند. انتقال آنان در بهار ۱۹۴۲ آغاز و تا اواخر تابستان همان سال ادامه یافت. در میان این شهروندان ۱۰۰۰ کودک یهودی نیز وجود داشتند که اکثر آنان یتیم بودند. این همان گروهی است که به "بچه های تهران" معروف شدند. آژانس یهودیان یک پرورشگاه برای کودکان یهودی احداث کرد. ۷۳۰ کودک یهودی که از آوریل تا اوت ۱۹۴۲ وارد ایران شده بودند در چادرهایی که در زمین های "دوشان تپه" - پادگان نظامی سابق نیروی هوایی ایران خارج از تهران- برپا شده بود، اسکان داده شدند. تلاش برای کمک به تخلیه تعداد بیشتری از کودکان از پرورشگاه ها پس از این نقل و انتقال موفقیت آمیز باعث شد که بعد از تابستان سال ۱۹۴۲ تعدادی دیگر از کودکان لهستانی - یهودی به تهران بیایند .



عکس قدیمی از گورستان لهستانی در دوشان تپه

در میان این لهستانی ها می توان چهرههایی از ادب و فرهنگ لهستان را باز شناخت که در ایران ماندند. جذب جامعه فرهنگی - هنری ایران شدند و البته تاثیر گذاشتند و تاثیر پذیرفتند. گروهی از این لهستانیان در سال ۱۹۴۲ به تشکیل انجمن لهستانی مطالعات ایرانی در تهران همت نمودند. هدف این انجمن آشنایی دو ملت با فرهنگ یکدیگر بود، انجمنی که ظاهرا هنوز فعال است.

از اعضای انجمن می توان از ایران شناس بزرگ لهستانی فرانچیشک ماخالسکی نام برد. وی بعد ها به تدریس ایران شناسی در کراکو پرداخت. از تالیفات وی می توان به اثر ۳ جلدی ادبیات ایران معاصر اشاره کرد. اما این پناهجویان غیر نظامی لهستانی در ایران دارای تشکیلاتی بودند که امور مربوط به زندگی روزمره آنان را سامان می داد. این تشکیلات به دو بخش اردوگاه وانیستیتو و بهداشت تقسیم می شد.

و بسیاری از این زنان و مردان و کودکان در همان سالهای جنگ بر اثر بیماری تیفوس و وبا در تهران بکام مرگ کشیده شدند و در گورستانی، شرق تهران آن زمان به خاک سپرده شدند، این گورستان امروزه در محدوده میدان شهدا و خیابان پیروزی واقع است. در این گورستان ۱۹۳۷ گور لهستانی موجود است که ۴۰۹ گور از آن سربازان و باقی از آن غیر نظامیان است. در این گورستان بجز گور لهستانی های مهاجر، می توان به گور آنتوان بارفسکی اشاره کرد. او افسر ارتش ایران در جنگ هرات بوده و در همان جنگ نیز در راه حفظ یکپارچگی خاک ایران قربانی شد.



بنای اصلی یادبود گورستان لهستانی ها با نشان رسمی لهستان(عقاب)



تاریخ تولدها متفاوت اما تاریخ مرگ همه این مردگان ۱۹۴۲ می باشد (۱۳۲۲ شمسی)



عکس یادگاری پرستاران و محافظان لهستانی بچه های تهران

در این منطقه ۵ گورستان وجود دارد، گورستان روسها، گورستان آرامنه، ایتالیا، فرانسه و لهستان که تا ۱۲ سال قبل در آن دفن می کردند. اکنون بازدید از این گورستان ها میسر نیست و فقط توریست های خارجی، اقوام و اعضای سفارت خانه ها از طریق معرفی و هماهنگی سفارت خانه لهستان می توانند از آن بازدید کنند، یکی از یادگاری ها و آثار تاریخی بجا مانده از جنگ جهانی دوم که به نظر می رسد ایرانی ها هم به اندازه لهستانی ها از آن حق و سهم دارند و باید حق عمومی بازدید شهروندان ایرانی از این آثار تاریخی که در سرزمین مادری-خواستنه یا ناخواستنه- جاخوش کرده اند، وجود داشته باشد. کاش با ساماندهی و تبدیل این یادگاری های پراکنده ولی پر ارزش می توانستیم موزه ای با نام "موزه جنگ جهانی دوم در ایران" داشته باشیم و بر جاذبه های توریستی کشورمان بیفزائیم، راستی چه اشکال دارد وزارت امور خارجه کشورمان در کنار سایر وظایف خود، به این گونه موارد نیز بپردازد تا شاهد ایجاد شاخه جدیدی از توریسم با عنوان توریسم جنگ جهانی دوم هم باشیم؟ یادمان نرود که اگر امروز مطالبه ای نباشد، کم کم این اماکن تاریخی تبدیل به ملک طلق خارجی ها می شود و به صورت یک مکان دیپلماتیک در می آید که فردا دیگر حتی درخواست بازدید مقامات رسمی ایرانی هم از این اماکن باید با اجازه سفارتخانه های خارجی باشد.